



University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902

Volum: 16 Issue: 45
winter 2026

Pages: 61-86

Article Type: Research Article

DOI: 10.22034/jiiph.2025.66198.2564

Received: 2025/03/02 Received in revised form: 2025/10/25 Accepted: 2025/11/17 Published: 2026/02/28

The Imperatives behind the Recruitment of Francis Adolphe Perny in Iran's Post-Constitutional Judicial System (1911–1926 CE / 1329–1344 AH)

Mohammad Ali Ranjbar¹ | Seyyed Javad Mousavi² | Mehdi Ariaifar (Ghassam)³

Abstract

At the request of Mirza Hassan Khan Moshir-ul-Dawlah, Minister of Justice (1329 AH), and with the approval of the Second Session of the National Assembly (Dhu al-Hijjah 1329 - Dhu al-Qadah 1327), Francis Adolphe Perny, Prosecutor of the Redon-Brittany region in France, was hired by the Iranian government as a judicial advisor. The purpose of his recruitment was to help bring about a transformation in the judiciary and its functioning. This was despite the fact that, after the victory of the Constitutional Revolution and the formation of the National Assembly, significant efforts had been made by the government and parliamentarians to resolve the chaotic state of the judiciary. From 1329 AH until 15 years later, i.e., until the end of the Qajar rule in 1304 AH, Adolphe Perny served, at times, as more than just an advisor within the structure of Iran's judiciary. He took numerous steps to transform and improve the judiciary in both organizational and legal fields. This research seeks to answer the question of what reasons or necessities led the government and the National Assembly to hire Monsieur Perny as a judicial advisor. The findings of the research show that the need to establish a proper and efficient judiciary, consisting of valid organizational and substantive laws, one of the most important demands of the constitutionalists, along with the necessity of providing the required conditions for other countries to trust the functioning of judicial courts, with the aim of abolishing capitulation, were key factors in Perny's employment. Considering the nature of the subject, the research method used in this study is historical, employing a descriptive-analytical approach, and the data were collected through library research.

Keywords: Justice, Perny, Law, Constitutionalism, Mirza Hassan Khan Moshir-ul-Dawlah.

1. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Iran (Corresponding Author)

ranjbar@shirazu.ac.ir

2. Associate Professor, Department of History, Shiraz University, Iran javad_shirazu@yahoo.com

3. Ph.D Candidate in History of Islamic Iran, Shiraz University, Iran mehdi.ghassam.59@gmail.com





ضرورت‌های استخدام فرانسیس آدولف پرنی در نظام قضایی ایران پس از مشروطه (۱۹۲۶-۱۹۱۱ م./۱۳۲۹-۱۳۴۴ ق.)

محمدعلی رنجبر^۱ | سیدجواد موسوی^۲ | مهدی آریافر (قسام)^۳

چکیده

با درخواست میرزا حسن خان مشیرالدوله، وزیر عدلیه (۱۳۳۹ق.) و موافقت مجلس دوم شورای ملی (ذی‌الحجه ۱۳۲۹ تا ذی‌قعدة ۱۳۲۷ق.)، فرانسیس آدولف پرنی، دادستان منطقه ردون بریتانی در فرانسه، به‌عنوان مستشار عدلیه به استخدام دولت ایران درآمد. این درخواست در راستای اجرای تصمیم دولت و مجلس جهت استخدام مستشاران خارجی با هدف بازسازی تشکیلات دولتی پس از مشروطه بود. آدولف پرنی از سال ۱۳۲۹ق. تا ۱۵ سال بعد یعنی تا پایان حیات حاکمیت قاجار در سال ۱۳۰۴ش. گاهی فراتر از یک مشاور در ساختار عدلیه ایران مشغول به خدمت بود و اقدامات متعددی جهت تحول و بهسازی عدلیه در دو زمینه تشکیلاتی و حقوقی انجام داد. پژوهش پیش رو درصدد است تا به این سؤال پاسخ دهد که چه علل و یا ضرورت‌هایی موجب شد تا دولت و مجلس شورای ملی موسیو پرنی را به‌عنوان مستشار عدلیه استخدام کنند؟ یافته‌های پژوهش ما نشان می‌دهد که ضرورت تشکیل عدلیه‌ای صحیح و کارآمد متشکل از قوانین تشکیلاتی و موضوعه معتبر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مطالبات مشروطه‌خواهان و نیز فراهم کردن امکانات لازم جهت اعتماد دیگر کشورها نسبت به نحوه عملکرد محاکم قضایی با هدف لغو کاپیتولاسیون از جمله ضرورت‌های استخدام پرنی بوده‌است. خصوصاً اینکه تجربه کشورهای غربی به‌خصوص فرانسه در این رابطه، مبنا و الگو قرار گرفته شد. با توجه به ماهیت موضوع، روش تحقیق در این پژوهش تاریخی و با استفاده از شیوه توصیفی-تحلیلی صورت گرفته و اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده‌است.

کلیدواژه‌ها: عدلیه، پرنی، قانون، مشروطه، میرزا حسن خان مشیرالدوله.

ranjbar@shirazu.ac.ir

javad_shirazu@yahoo.com

mehdi.ghassam.59@gmail.com

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران

۳. دانشجوی دکتری تاریخ دوره ایران اسلامی، دانشگاه شیراز، ایران



مقدمه

در قرن نوزدهم میلادی و هم‌زمان با عصر قاجار، ظهور و بروز تحولات جدید در عرصه بین‌المللی و آشنایی ایرانیان با دنیای غرب، باعث شد آنان به ناکارآمدی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اداری کشور و لزوم بازنگری و بازسازی آن به‌صورت بنیادی پی ببرند. نظام قضایی و تشکیلات عدلیه نیز از این قاعده مستثنا نبود بلکه در درجه نخست ناکارآمدی و ضرورت دگرگونی قرار داشت. تلاش‌های متعددی در دوره ناصری و حتی پیش از آن برای تغییر وضعیت عدلیه و بهبود عملکرد آن صورت گرفت اما این تلاش‌ها هر بار با چالش‌های سخت و محکمی از جمله حاکمیت مستبد و نیز تسلط و تسلب شرع در ساختار قضا مواجه شده و مانع بروز هرگونه رویکرد جدید در این زمینه می‌شد.

پیروزی انقلاب مشروطه ضرورت بازنگری و نیز اهمیت تحوّل در عدلیه را بیش‌ازپیش مطرح کرد خصوصاً اینکه از یک سو مطالبه عدالتخانه و تحوّل در عدلیه در مرکز ثقل انقلاب قرار داشت و حتی از آن به‌عنوان «روح مشروطیت» یاد می‌شد (مجلس، ۱۳۲۴: ۲). از سوی دیگر ظهور و بروز مفاهیم جدید و مرتبط از جمله قانون اساسی، عدالت‌خواهی، آزادی و نیز تفکیک قوا ضرورت نگاه و رویکردی نوین را در عدلیه مطرح می‌کرد. مجلس نخست (۱۳۲۶-۱۳۲۴ق) برای برآورد این خواسته اقداماتی انجام داد، اما عدم آمادگی روحانیون و نیز اصرار بر تداوم نگاه سنتی در امور قضایی مانع دستیابی به نتیجه‌ای درخور در این زمینه شد.

مجلس دوم مشروطه (۱۳۲۹-۱۳۲۷ق) تغییر و تحوّل در تشکیلات دولتی از جمله عدلیه را با تمرکز بیشتری پیگیری کرد. از جمله اینکه این اجازه را به بعضی از وزارتخانه‌ها از جمله عدلیه داد تا برای پیشبرد و ترقی امور مستشار خارجی استخدام کنند. طی مذاکراتی که برای این منظور در مجلس صورت گرفت و کلاً دیدگاه و مطالبات مختلفی ارائه دادند. جمع‌بندی این مذاکرات و نیز اقدامات دولت در این رابطه منتهی به استخدام مستشاری باتجربه از فرانسه به نام فرانسویس آدولف پرنی^۱ شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۵ رمضان ۱۳۲۸: ۴۳۸).

رویکرد اصلی ما در پژوهش پیش رو که با روش توصیفی-تحلیلی بدان پرداخته شده پاسخ به این سؤال است که عدلیه برمبنای چه ضرورت و یا ضرورت‌هایی اقدام به استخدام آدولف پرنی به‌عنوان مستشار در عدلیهٔ پس از مشروطه کرده‌است؟ یافته‌های پژوهش ما نشان می‌دهد که بازنگری و نیز بازسازی در ساختار قضا نیاز به تهیه و تدوین قوانین معتبر قضایی اعم از شکلی و ماهوی یا موضوعه داشت. چنین قوانینی نه‌تنها موجب بهبود عملکرد و اعتبار محاکم عدلیه می‌شد بلکه ضرورت اساسی برای لغو رژیم سیاسی و قضایی کاپیتولاسیون نیز محسوب می‌شد.

با وجود اهمیت جایگاه و اقدامات آدولف پرنی در تحولات قضایی ایران، تاکنون هیچ پژوهش مستقلی به ضرورت یا ضرورت‌های حضور وی در ساختار قضایی ایران پس از مشروطه اختصاص نیافته‌است. بلکه غالباً در تحقیقاتی که روند کلی تحولات قضایی را پیگیری کرده‌اند مطالبی در این رابطه ذکر شده‌است. به‌عنوان نمونه سید علی آل‌داوود در اثر سه‌جلدی خود به نام نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری در ایران، به تحولات دستگاه قضایی ایران در دورهٔ قاجار از جمله نقش موسیو پرنی در تهیه و تدوین قوانین قضایی پرداخته‌است. فردین مرادخانی نیز در اثر خود به نام پیامدهای مشروطیت؛ تکوین حقوق مدرن در ایران، اشارات متعددی به نقش و جایگاه پرنی داشته‌است. علاوه بر این در آثاری چون تحوّل نظام قضایی ایران از مشروطه تا سقوط رضاشاه، اثر محمد زرنگ، تلاش آزادی اثر محمدابراهیم باستانی پاریزی و نیز تحوّل نظام قضایی ایران در دورهٔ پهلوی اول، اثر حسن زندیه نیز مطالبی کوتاه در این رابطه مطرح شده‌است. در میان پژوهش‌های غیرفارسی نیز می‌توان به آثاری چون: *Law, State and Modern Society in Iran* اثر هادی عنایت اشاره کرد که ضمن تحلیل روند مدرن شدن نظام حقوقی در ایران اشاراتی نیز به نقش و جایگاه پرنی در این رابطه داشته‌است. علاوه بر این در آثاری دیگر همچون: *Judicial Reform اثر علی مهدوی و نیز Low, Power, and Politics in Iran: The Role of Foreign Influence in Modern Iran: Roots and Results of Revolution* از نیکی کدی و نیز مقاله‌ای به زبان فرانسوی با عنوان: «*La Réception Mitigée Descodifications Napeloniennes en Iran (1911-1935)*» اثر Sodabeh Marin به نقش و جایگاه پرنی در توسعه و اصلاح ساختار قضایی ایران پس از مشروطه اشاره شده‌است.

پژوهش پیش رو با آثار ذکر شده موضع و نگاهی متفاوت دارد، با این توضیح که تمرکز بحث در این پژوهش بر ضرورت و یا ضرورت‌های حضور آدولف پرینی در عدلیه پس از مشروطه است؛ امری که تاکنون به صورت مستقل بدان پرداخته نشده است.

ضرورت‌های استخدام مستشاران خارجی پس از مشروطه

پس از پیروزی انقلاب مشروطه (جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق.م) دولت‌ها همچنان به تداوم حضور مستشاران خارجی و استفاده از توانایی و تخصص آن‌ها خصوصاً در تشکیلات مالی از جمله گمرک و ضرابخانه و... نیاز داشتند. این در حالی بود که بعضی از وکلای مجلس اول، از جمله سعدالدوله با حضور مستشار خارجی و ارتقاء جایگاه آنان به مقام مدیر و رئیس مخالفت داشتند و اصرار می‌کردند که حتی بحث آن نیز نباید مطرح شود. آنان بر این ایده بودند که جوانان کاردان و تحصیل کرده ایرانی نسبت به مستشاران خارجی شایستگی بیشتری دارند (مجلس، ۱۳۲۴: ۲). ضمن اینکه به مستشاران خارجی اطمینانی نیست، اما این دیدگاه چالش زیادی در مجلس ایجاد کرد. در نهایت نیز حتی مخالفین حضور مستشاران خارجی، به حضور آنان در جایگاه مشاور و مفتش، نه رئیس و مدیر، رضایت دادند، چراکه همچنان به علم و تخصص آن‌ها نیاز بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۸ محرم ۱۳۲۵: ۸۹). به همین خاطر در همان مجلس به صلاح‌دید ناصرالملک، وزیر مالیه، مستشاری از فرانسه به نام «موسیو بیزو» جهت مشاوره در امور مالی استخدام شد (آدمیت، ۱۹۸۵: ۱۴۴).

با شکل‌گیری دور دوم مجلس شورای ملی، اغلب وکلا با این واقعیت روبرو بودند که سال‌ها تلاش و تجربه جهت ایجاد تحول و ترقی در تشکیلات دولتی موفقیت‌چندانی به بار نیاورده است. بنابراین ظرفیت‌های داخلی به دلایل مختلفی ناکافی است، پس راهکار استخدام مستشار خارجی حتی برای تشکیلات غیرمالی نیز باید مورد استفاده قرار گیرد. به همین خاطر در مجلس دوم تقریباً اکثر وکلا با این موضوع موافقت داشتند. بعضی وکلا از جمله صنیع‌الدوله حتی با ارائه گزارشی برای این منظور قید فوریت نیز پیشنهاد کردند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۱۷ محرم ۱۳۲۸: ۴).

علاوه بر مجلس و دولت، چنین ضرورتی مورد تأیید انجمن‌های ایالتی و روزنامه‌ها نیز بود. پیش از این، روزنامهٔ *حبل‌المتین* این توصیه را ارائه می‌داد که ما باید از ممالک خارجه ترقی بیاموزیم و ترتیب اصلاحات را اخذ کنیم. این روزنامه در یکی از سرمقالات خود نوشت: «بدون شک ما در هر شعبه از شعبات ترقی، علماً و عملاً محتاج به خارجه هستیم و در این امر احدی را جای شبهه باقی نیست...» (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۵: ۳). در این روزنامه تأکید می‌شد که ضرورت دارد افراد کارشناس خارجی را عملاً به مملکت خود بیاوریم، به کار واداریم و زیر دست آن‌ها، کار و تجربه بیاموزیم. اینکه ما خود افرادی به ممالک خارجه بفرستیم تا در آنجا تحصیل کنند چندان جواب‌گوی نیازمندی‌های ما نیست (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۵: ۴). همین روزنامه در شمارهٔ دیگر خود، صراحتاً می‌نویسد: «... اصلاح ادارات و وزارتخانه‌ها با اصول اساسی و مدار صحیح تنها با جلب مستشاران خارجی برای کلیه وزارتخانه‌ها و ادارات رسمی ممکن است...» (*حبل‌المتین*، ۱۳۲۹: ۴). روزنامه *صبح صادق* نیز تأکید داشت برای توسعهٔ علمی کشور نیاز به استخدام کارشناس‌هایی داریم که از ممالک بی‌غرض مانند ژاپن و آمریکا استخدام شوند (*صبح صادق*، ۱۳۲۵: ۲). انجمن ایالتی آذربایجان نیز به‌عنوان بزرگ‌ترین انجمن پس از مشروطه، طی تلگرافی به مجلس، بر ضرورت حضور مستشارهای خارجی تأکید می‌کرد و تقاضا داشت کابینه در این رابطه توجه و اقدام فوری صورت دهد (مجلس، ۱۳۲۸: ۳).

در راستای چنین ضرورتی دولت مستوفی‌الممالک (جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ – صفر ۱۳۲۹) طی جلسه‌ای در پنجم شعبان ۱۳۲۸ ق. لایحهٔ استخدام مستشاران خارجی را در دستور کار قرار داد. به‌موجب مادهٔ اول این لایحه که در ۲۳ رجب سال ۱۳۲۸ ق. تقدیم مجلس شد (نیری، ۱۳۶۹: ۲۱۹)، دولت پیشنهاد می‌کرد که در مجموع ۱۵ مستشار خارجی به مدت ۳ سال استخدام شوند. بنا بود این مستشارها به تعداد مشخص به استخدام وزارتخانه‌های مالیه، داخله و عدلیه درآیند. در ارتباط با وزارت عدلیه دولت پیشنهاد داده بود تا دو مستشار از کشورهای فرانسه و مصر انتخاب شوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۵ شعبان ۱۳۲۸: ۴۷۷).

ضرورت تهیه و تدوین قوانین قضایی برای عدلیه

علی‌رغم اهمیت جایگاه عدلیه در انقلاب مشروطه، این تشکیلات در حالی پا به دوران پس از مشروطه گذاشت که از کمبودها و مشکلات متعددی رنج می‌برد. در این بین، مشکل فقدان قوانین اعم از قوانین شکلی و ماهوی یا موضوعه را می‌توان مشکلی مبنایی فرض کرد که حتی رفع دیگر مشکلات عدلیه بستگی به تهیه یا فراهم کردن آن داشت.

سال‌ها پیش از پیروزی انقلاب مشروطه، به‌طور مشخص در دورهٔ صدارت امیرکبیر (۱۲۶۸-۱۲۶۴ق.) تلاش‌هایی برای تهیه و تدوین قوانین قضایی اعم از شکلی و ماهوی صورت گرفت. امیر با تأسیس دیوانخانهٔ عدالت، به پی‌ریزی قوانین جزایی و حقوقی عرفی پرداخت (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۷۷-۲۷۶). روحانیون اما این اقدامات امیر را برتافته و حتی برای حذف وی با سفارتخانه‌های خارجی همدست شدند. بیش از بیست سال پس از قتل امیرکبیر، در دورهٔ وزارت میرزا حسین خان مشیرالدوله (سپهسالار) در عدلیه (۱۲۸۸-۱۲۸۷ق.) تاریخ قانون‌گذاری جدید در عدلیه آغاز شد. میرزا حسین خان که از جوانی به‌واسطهٔ تحصیل در فرانسه تحت تأثیر مستقیم مدنیّت اروپایی قرار گرفته بود، قوانینی نو برپایهٔ علم و عقل در جهت عدالت و مساوات تهیه کرد. وی که از مشاورت میرزا یوسف خان مستشارالدوله نیز بهره می‌برد با هدف ایجاد محاکم قانونی و عرفی برای نخستین بار در عدلیه مجلس تنظیم قانون به وجود آورد، اما به‌مانند امیرکبیر تلاش‌های وی نیز از تیررس استبداد ناصرالدین‌شاه و نیز تعصب علما دور نماند تا آنجا که وی را زندیق دانسته و بر او لعن فرستادند (آدمیت، ۱۳۹۲: ۱۶۰). با وجود موانع و چالش‌های متعدد همچنان پس از برکناری میرزا حسین خان، تلاش‌هایی در این رابطه صورت گرفت از جمله کتابچهٔ قانونی که در سال ۱۲۹۶ق. کنت دومنت فورث، رئیس اداره پلیس تهران تهیه کرد، ولی این اقدامات هیچ‌کدام تداوم نیافت تا آنجا که ناصرالدین‌شاه در نامه‌ای به ظل‌السلطان در سال ۱۳۰۴ق. اقرار می‌کند که از دیوانخانهٔ عدلیهٔ اعظم جز اسمی بی‌مسما اثری نمانده‌است (صفایی، بی‌تا: ۱۵۹).

این ناکامی موجب می‌شد تا تلاش‌ها برای لغو امتیاز کاپیتولاسیون نیز عقیم بماند؛ تلاش‌هایی که به‌خصوص از سوی میرزا محسن خان مشیرالدوله (معین‌الملک)، وزیر عدلیه

در اواخر دوره ناصری (۱۳۰۹ق.)، صورت گرفت و علی‌رغم اراده و انگیزه مصمم وی ناکام ماند (آدمیت، ۱۹۸۵: ۱۵)، چراکه عمده عللی که در مورد پیدایش و دوام کاپیتولاسیون ذکر می‌شد، عدم وجود قوانین مدون مدنی و جزایی و نیز قوانین تشکیلاتی مشخص و معتبر قضایی بود (چلونگر، ۱۳۸۲: ۳۱).

پس از پیروزی مشروطه نیز از آنجا که مشروطه‌خواهان در پی برقرار ساختن عدلیه‌ای شایسته حاکمیت مشروطه بودند، بیش‌ازپیش به ضرورت تهیه و تدوین قوانین برای عدلیه اذعان داشتند. طبیعتاً تداوم امتیاز کاپیتولاسیون با این شایستگی در تضاد بود. مضافاً اینکه از آن به‌عنوان ریشه فساد در مملکت یاد می‌شد (مامشا، ۱۸۷۱۹، سند ۳). بنابراین اکثر مشروطه‌خواهان از جمله سید حسن تقی‌زاده لازمه تشکیل یک وزارت عدلیه صحیح را در گرو تهیه قوانین می‌دانستند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۹ محرم ۱۳۲۸: ۴۲).

در همین دوره، چالش دیگری نیز به موارد قبلی افزوده شد و ضرورت تهیه و تدوین قوانین شکلی و ماهوی را برای عدلیه بیش‌ازپیش کرد. ارسال عرایض و تظلمات متعدد مردمی از سراسر کشور و انتظار پاسخ‌گویی و حل مشکلات مربوطه، مجلس شورای ملی را در وضعیت بحرانی قرار داد. تا روز ۲۴ صفر ۱۳۲۵، بیش از ۴۵۰۰ عریضه تظلم‌خواهی به مجلس و عدلیه ارسال شده بود (محاکمات، ۱۳۲۵: ۳). این در حالی بود که نه‌تنها مجلس که حتی عدلیه نیز، به‌عنوان مرجع اصلی پاسخ‌گویی به عرایض، ابزار لازم و کافی برای انجام وظایف ذاتی خود از جمله قوانین مذکور را در اختیار نداشت. برآیند این وضعیت، نظامی قضایی بود که با مشروطیت و ملزومات و ضرورت‌های حقوقی آن فاصله بعیدی داشت.

ناکامی مجلس اول در تهیه و تدوین قوانین قضایی

موانع و چالش‌های مطرح‌شده و کلای مجلس نخست را واداشت تا برای تهیه و تدوین قوانین قضایی دست به اقداماتی بزنند. صنیع‌الدوله، رئیس مجلس، کمیسیونی تحت عنوان کمیسیون عدلیه تشکیل داد که وظایف آن، تهیه و تنقیح قوانین برای عدلیه بود. بنا بر این بود که قوانین پیشنهادی به صحن مجلس آمده موردگفتگو بین وکلای مجلس قرار گیرد. پس از تصویب، به وزارتخانه مربوطه برای اجرا و عمل ارسال شود (مجلس، ۱۳۲۴: ۳). میرزا عبدالحسین خان فرمانفرما (صفر ۱۳۲۴ - ربیع‌الاول ۱۳۲۵) نخستین وزیر عدلیه، پس

از مشروطه نیز کمیسیون برای این منظور به ریاست ممتازالدوله تشکیل داد. ممتازالدوله که سمت ریاست هیئت مقننه و دارالترجمه وزارت عدلیه را به عهده داشت (محاکمات، ۱۳۲۵: ۲)، از قوانین مملکت عثمانی اعم از قضایی و غیره و نیز تأثیرپذیری آنان از قوانین فرانسه، اطلاعات مناسبی داشت و مهم‌تر اینکه قبل از مشروطه نیز قانون‌نویسی را تجربه کرده بود. باین حال، مجموع تلاش‌های فرمانفرما نتیجه مؤثری دربر نداشت، چون دوره وزارت فرمانفرما علی‌رغم اقدامات متعدد در عدلیه چندان طولی نکشید و محمدعلی شاه قاجار در جمادی‌الثانی همان سال وی را برای مقابله با هجوم لشکر عثمانی به مرزهای ارومیه، به آن سو فرستاد (کسروی، ۱۳۹۰: ۴۴۲).

پس از فرمانفرما نیز همچنان تلاش‌ها ادامه یافت ولی نتیجه‌ای حاصل نشد. مخبرالسلطنه هدایت که به فاصله چند ماه پس از فرمانفرما به وزارت عدلیه رسید (محرم ۱۳۲۶- رمضان ۱۳۲۵) در توصیف خرابی اوضاع عدلیه می‌نویسد: هیچ نظمی وجود ندارد، اشخاص موردنظر و طرف توجه وزیر، اجازه صدور احکام قضایی دارند. احکامی هم که از این طریق صادر می‌شد غالباً متکی به احکام صاحبان محضر (علما) است. به‌نوعی محاکم رسمی همان محاضر علما بود (هدایت، ۱۳۴۴: ۱۹۴). محسن صدر که به‌توسط مخبرالسلطنه وارد خدمت در عدلیه شده (۱۳۲۵ق. و به معاونت محاکم جزا منصوب شده بود در خاطرات خود می‌نویسد: در آن تاریخ هیچ قانونی برای طرز رسیدگی محاکم چه در امور حقوقی و چه در امور جزایی وجود نداشت. با این توصیف مجلس اول با وجود تلاش‌های مکرر جهت تهیه قوانین تشکیلاتی و ماهوی برای عدلیه، موفقیت‌چندانی به دست نیاورد (صدر، ۱۳۶۴: ۱۶۸). این وضعیت باعث شده بود که نهادهای غیرقضایی از جمله مجلس شورای ملی و نیز انجمن‌های ایالتی و ولایتی تبدیل به نهادهایی موازی با عدلیه در زمینه انجام امور قضایی و صدور احکام شوند.

استخدام آدولف پرنی در عدلیه

با تشکیل دور دوم مجلس شورای ملی و در کابینه دوم سپهسالار تنکابنی (ذی‌القعدة ۱۳۲۸) که به فاصله یک سال بعد از فتح تهران، توسط انقلابیون تشکیل شد، میرزا حسن خان مشیرالدوله به‌عنوان وزیر عدلیه منصوب شد (ربیع‌الثانی ۱۳۲۸). مشیرالدوله که پیش از

این، نحوه عملکرد محاکم غربی را از نزدیک دیده بود، درصدد استفاده از تجربیات کشورهای غربی در زمینه‌های مختلف اعم از تهیه آیین دادرسی و قوانین ماهوی موردنیاز آن برآمد. او در سال ۱۳۲۶ق. نیز که برای نخستین بار به وزارت عدلیه رسیده بود، تلاش کرده بود تا آیین دادرسی محاکم اروپایی را در عدلیه ایران پیاده سازد (صدر، ۱۳۶۴: ۱۷۵).

در سال ۱۳۲۸ق. نیز در آغازین روزهای وزارتش، از مجلس و دولت اجازه خواست تا جهت تهیه و تنظیم قانون تشکیلات و اصول محاکمات حقوقی، شش ماه در منزل بنشیند. او به دنبال این بود تا با ترجمه، تنظیم و تدوین قوانین اعم از ماهوی و شکلی، محاکم مدرنی در عدلیه ایجاد کند (مشیرالدوله، مدرس و خویی، ۱۳۶۵: ۲). مشیرالدوله اصول و قوانین تشکیلاتی فرانسه را برگزید. علاوه بر آن، درصدد بود جهت تدوین قوانین ماهوی نیز فرانسه را سرمشق خود قرار دهد. دولت پیشنهاد وی را پذیرفت. اگرچه در همین کابینه نیز، سپهسالار برای نخستین بار پس از مشروطه، الغای کاپیتولاسیون را در ایران اعلام داشته بود و دستگاه قضایی نیاز داشت تا اعتماد دنیای خارج را نسبت به قوانین و عدالت قضایی در محاکم خود جلب کند (چلونگر، ۱۳۸۲: ۱۲۷). وکلای مجلس نیز از طرفی معتقد بودند اگر قوانین به اسم شخصی خارجی منتشر شود گوش‌ها نسبت به شنیدن و پذیرش آن قوانین راحت‌تر عادت می‌کند، و از طرف دیگر اصرار داشتند چون اصول قضایی در تمام دنیا به سمت متحدالشکل شدن پیش می‌رود، بنابراین عدلیه ما نیز می‌بایست با نظامات دنیا منطبق شده اصول متحدالشکل را پذیرفته و اجرا کند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۶صفر ۱۳۴۱: ۹۱).

برای ترتیب و تنظیم قانون تشکیلات و اصول محاکمات، عدلیه نیاز به یک کارشناس باتجربه داشت. چون دولت تصمیم داشت تا اصول و تشکیلات مربوطه را از فرانسه اقتباس کند (افشار یزدی، ۱۳۰۶: ۲۱۸)، بنابراین انتخاب مستشار فرانسوی بهترین گزینه بود. ضمن اینکه پیاده‌سازی و مدیریت تشکیلات و اصول محاکمات برگرفته از نظام قضایی فرانسه نیاز به تخصص و تجربه داشت درحالی‌که در داخل، تجربه و شناخت کافی برای این منظور وجود نداشت (صدر، ۱۳۶۴: ۱۷۶). به همین منظور دولت مستوفی در لایحه خود به مجلس، درخواست داد یکی از مستشاران عدلیه از کشور فرانسه باشد. در طول مذاکرات مجلس،

عده‌ای از وکلا نسبت به استخدام و حضور مستشار مسلمان مصری به‌خصوص در رابطه با تهیه قوانین ماهوی نیز اصرار داشتند، ولی در نهایت تنها با حضور یک مستشار فرانسوی موافقت شد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، غره رمضان ۱۳۲۸: ۱۳۷). در همین رابطه، دولت صمصام‌السلطنه بر مبنای قانونی که در ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ از تصویب مجلس شورای ملی گذشت جهت استخدام یک مستشار حقوقی عالی‌رتبه با مقامات عالی فرانسه مشغول مذاکره شد و وزیر امور خارجه فرانسه، موسیو پیشون، فرانسیس آدولف پرنی را برای این منظور به دولت ایران پیشنهاد داد (عامری، ۱۳۹۰: ۶۶).

فرانسیس آدولف پرنی مدرک دکترای خود را در علم حقوق، شاخه کیفری (جزا) از فاکولته (دانشکده) پاریس دریافت کرده و در آن مقطع، مدعی‌العموم (دادستان) در منطقه ردون بریتانی فرانسه بود. پرنی در پاسخ به درخواست دولت ایران در تاریخ یازدهم اوت سال ۱۹۱۱ میلادی، برابر با ۱۵ رمضان سال ۱۳۲۹ ق. به‌عنوان مستشار حقوقی و مشاور عالی قضایی، به استخدام دولت ایران درآمد و در کمیسیون قضایی ادغام شد (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۷۹).

اقدامات آدولف پرنی در عدلیه

الف. کمک به تهیه و تدوین قوانین قضایی

تجربه موفق فرانسه در امر قانون‌نویسی می‌توانست به حقوقدان‌های ایران کمک کند، خصوصاً اینکه در ایران نسبت به نهادها و قوانین فرانسه همدلی زیادی وجود داشت، تا آنجا که بعضی از اروپاییان ایران را «فرانسه شرق» می‌نامیدند (Soleymani, 1936: 42-43). پیش از این نیز روشنفکرانی چون میرزا یوسف خان مستشارالدوله، میرزا حسین خان سپهسالار، نیز حسینقلی خان صدرالسلطنه و... برای تهیه و تدوین قانون، به ترجمه قوانین مدنی و جزایی این کشور متوسل شده بودند (آدمیت، ۱۹۸۵: ۱۵). بنابراین در این دوره نیز به‌مانند گذشته، سنت قانون‌نویسی فرانسه مرجعی برای تهیه و تدوین قانون در عدلیه گردید. از مجموع قراردادهای یا تمدید قراردادهایی که طی ۱۵ سال خدمت پرنی در ایران با وی منعقد شد، قراردادی که در ژوئن ۱۹۱۴ بین وی و وثوق‌الدوله، وزیر خارجه وقت، امضا

گردید به‌عنوان مبنای قراردادهای بعدی در نظر گرفته شد. طی ماده دوم این قرارداد، پرنی مأموریت می‌یافت تا مجموعه قوانینی اعم از حقوقی و جزایی که برای مشی منظم عدلیه لازم است، تهیه نماید (مامشا، ۲۰۹۵۲: سند ۱).

موسیو پرنی خیلی زود مؤثر واقع شد. چون مشیرالدوله پس از آنکه قانون تشکیلات و اصول محاکمات عدلیه را در مجلس دوم به تصویب رساند، مدت کوتاهی بعد کابینه تغییر کرد و مشیرالدوله از وزارت عدلیه کنار رفته و مدتی برای وزارت عدلیه، وزیر معین نشد. در این دوره، موسیو پرنی در کنار مشاورالممالک، معاون عدلیه، قوانین جدید تشکیلات را اجرا کرد (صدر، بی‌تا: ۸). این قوانین در واقع مدل تشکیلات قضایی فرانسه بود که شامل سلسله‌مراتبی از دادگاه‌ها یا محاکم با سطوح دوگانه صلاحیت از جمله محاکم صلح، بدوی و محکمه تجدیدنظر می‌شد (Marin, 2004: 113-114).

علاوه بر مشاوره در اجرای مجموعه قوانین تشکیلات و اصول محاکمات عدلیه، موسیو پرنی در ۲۹ رجب ۱۳۳۰ ق. این وزارتخانه را در فراهم کردن یکی از مهم‌ترین مطالبات آن پس از مشروطه یعنی تهیه و تنظیم قانون یا اصول محاکمات جزایی (کیفری) کمک کرده‌است. پیش از مشروطه به‌خصوص در دوره ناصرالدین‌شاه به اهمیت تهیه و تنظیم قانون جزا تأکید می‌شد و تلاش‌هایی نیز برای تهیه آن صورت گرفته بود، اما تمام این تجربیات خصوصاً به‌خاطر مخالفت علما و مجتهدین ناقص و ناتمام ماند. پس از مشروطه نیز همچنان محاکمات جزایی به‌شدت خصلت سیاسی داشتند و بی‌قاعدگی گوناگونی در این زمینه به چشم می‌خورد. علی‌رغم این موضوع، در اواخر مجلس دوم مشروطه نیز کمیسیون عدلیه اقداماتی جهت تهیه و تدوین اصول محاکمات جزایی انجام داد. کمیسیون در واقع مجموعه قوانینی را که به‌توسط مشیرالدوله و فروغی تهیه شده بود مورد بررسی قرار داد، ولی به‌علت تعطیلی مجلس، کار کمیسیون به تعویق افتاد. با این حال چون وزارت عدلیه نیاز به تهیه و تنظیم اصول محاکمات جزایی داشت، در سال ۱۳۳۰ ق. کمیسیونی متشکل از شخصیت‌هایی چون محمدعلی فروغی، حاج سید نصرالله تقوی و میرزا رضا نائینی تشکیل شد. این کمیسیون با معاونت و مشاوره آیت‌الله مدرس و مشیرالدوله و نیز جلب نظرات و دیدگاه‌های موسیو پرنی (ساکما، ۴۴۸۶-۲۹۳، سند ۵) لایحه را مورد بررسی قرار دادند.

حضور پرنی که در این زمینه (حقوق جزایی یا کیفری) تخصص لازم را داشت می‌توانست بسیار مفید واقع شود (آدمیت، بی‌تا: ۴۷). روش کار پرنی در این رابطه، این‌گونه بود که برخی قوانین فرانسه را انتخاب می‌کرد، مترجمین وی آن را ترجمه می‌کردند، اعضای شورا یا کمیسیون مذکور اصلاحاتی را در آن ایجاد کرده و سپس مجدداً پرنی که خود نیز عضو کمیسیون بود، نظرات و دیدگاهش را لحاظ می‌کرد. البته در انتها می‌بایست قوانین اصلاح‌شده به تأیید مشیرالدوله و آیت‌الله مدرس نیز برسد (ساکما: ۴۴۸۶-۲۹۳، سند ۵).

لایحه در واقع مشتمل بر ۴۹۲ ماده بود که از طرف وزارت عدلیه در کمیسیون مذکور به شور گذاشته شد و اعضای کمیسیون ۱۴ ماده بر لایحه قبلی افزودند. آنگاه مجموعه آن، که ۵۰۶ ماده شده بود، در تاریخ ۲۹ رجب سال ۱۳۳۰ ق. به تصویب و امضای کمیسیون رسید (زندیه، ۱۴۰۰: ۳۴۸). در انتهای این مجموعه قوانین، امضای میرزا حسن خان مشیرالدوله و موسیو پرنی با عبارت «پرکورر دولت جمهوری فرانسه در مأموریت تهران» درج شده‌است (ساکما: ۴۴۸۶-۲۹۳ سند ۵). در نهایت نیز ممتازالدوله، وزیر وقت عدلیه، لایحه را در ۹ رمضان ۱۳۳۰ ق. به هیئت وزرا پیشنهاد داد. هیئت وزرا نیز پس از تصویب آن مقرر کرد تا وزارت عدلیه لایحه را به‌طور موقت تا تشکیل مجلس بعدی به اجرا بگذارد (آشوری، ۱۳۸۰: ۵۸).

در نتیجه کمک آدلف پرنی، مستشار وزارت عدلیه، و مشاوره با وی، قانون اصول محاکمات جزایی ایران از قوانین جزایی کشور فرانسه اقتباس شد و اصولی همچون قاعده اعلام جرم عمومی در کشور ایران نیز پذیرفته شد یا تعقیب جرائم بر عهده دادسرا که از آن به «اداره مدعی‌العموم» تعبیر می‌شد، قرار گرفت. علاوه بر آن، سیستم دادرسی مختلط در عدلیه برقرار شد و دادرسی کیفری به دو مرحله رسیدگی مقدماتی و دادرسی تقسیم گردید. این قانون تا سال‌ها مبنای عمل دادگاه‌ها در رسیدگی به امور کیفری بود تا اینکه در دوره پهلوی و در سال‌های ۱۳۱۱، ۱۳۱۷، و ۱۳۵۲ ش. بنا به تجربه و نیز مصالح روز، اصلاحاتی در آن به عمل آمد (زندیه، ۱۴۰۰: ۳۴۹).

لزوم جلب نظر و موافقت موسیو پرنی و کسب تأییدیه و مجوز از سوی وی، جهت اجرای قوانین تهیه و تدوین شده، برای دولت و وزارت عدلیه یک ضرورت بود. در واقع

به‌نوعی پرنی مجوز استفاده از قوانین را در محاکم صادر می‌کرده‌است. برای این منظور در مصوبه شماره ۶۶۶۶ که وزارت عدلیه آن را در ربیع‌الثانی ۱۳۳۵ در خصوص تمدید استخدام پرنی وضع کرده، آمده‌است که پرنی می‌بایست در تمام مسائل عدلیه طرف مشورت قرار گیرد. به‌موجب ماده دوّم این مصوبه نیز خواسته شده که برای کمک و مساعدت به پرنی جهت تهیه لوایح و قوانینی که برای جریان منظم امور عدلیه ضروری است، یک کمیسیون ویژه معین گردد. علاوه بر این، همه متحدالمال‌ها و تعلیماتی که برای حسن اداره دوایر قضایی لازم است می‌بایست ابتدا به تأیید پرنی برسد (مرادخانی، ۱۴۰۳: ۵۱۸). یک نمونه برجسته در این رابطه، قانون جزای عرفی مصوب سال ۱۳۳۵ ق. بود. باوجود آنکه این قوانین توسط نصرت‌الدوله فیروز تهیه و تدوین شده بود، وزارت عدلیه لزوم اجرای آن را در محاکم عدلیه، منوط به تأیید و موافقت و اخذ مجوز از سوی پرنی قرار داده بود. طبیعتاً چون این مجموعه قوانین نیز از قانون مجازات فرانسه (۱۸۱۰ م.) تأثیر پذیرفته بود (امین، ۱۳۸۶: ۲۴۵). بنابراین تأیید آن به‌توسط موسیو پرنی موجب اعتماد دول خارجی نسبت به عملکرد محاکم جزایی و یا کیفری ایران می‌شد. نصرت‌الدوله خود حقوقدان و فارغ‌التحصیل از دانشگاه سوربن فرانسه بود (اتحادیه و پیرا، ۱۳۷۸: ۱۰) و در این مقطع تاریخی، معاونت وزارت عدلیه را بر عهده داشت. وی این مجموعه قوانین را از طرف دولت در دوره سوم تقنینیه، به مجلس شورای ملی پیشنهاد داد ولی چون مجلس تعطیل شد، وی کمیسیونی مرکب از اشخاص بصیر و آگاه تشکیل داد و پس از بررسی مجدد قانون و جلب نظریات و موافقت موسیو پرنی، از هیئت دولت تقاضای اجرای موقت آن را نمود. هیئت دولت نیز در پنجم جمادی‌الاول ۱۳۳۵ ق. موافقت خود را جهت اجرای موقت این مجموعه قوانین که مشتمل بر سیصد و چهل هشت ماده بود اعلام نمود (راجیان اصلی و حسن‌زاده، ۱۳۹۶: ۵۲۶-۵۱۵).

و درنهایت می‌بایست از قانون تجارت نیز گفت. در سال ۱۹۱۵ م. با کمک و مشاوره پرنی، قانون موقت محاکم تجارت در ۶۲ ماده تنظیم شد. به‌مانند فرانسه، دادگاه‌های تجارت برای دعاوی کوچک در محاکم صلحیه و نیز دادرسی بدوی آن در محاکم ابتدایی برگزار می‌شد. در بهمن‌ماه سال ۱۳۰۴ ش. نیز با نظارت و مشاوره پرنی و بر مبنای قانون تجارت فرانسه و بلژیک، قانون تجارت تنظیم و تدوین شد. موادی از این قانون، ترجمه مستقیم از

قوانین تجاری فرانسه بود. براساس این قانون، اصول مربوط به دفاتر بازرگانی، اسناد تجاری و ورشکستگی در قانون تجارت ایران وارد گردید. پرنی حتی اعضای مؤثر محکمه تجارت را انتخاب می‌نمود. در ۱۴ بهمن سال ۱۳۰۴ محکمه تجارتی در تهران تأسیس شد. علاوه بر موارد ذکر شده پرنی در تهیه و تدوین نظام‌نامه محاکم صلح، نظام‌نامه مرخصی قضات، نظام‌نامه کمیسیون مخصوص قوانین، دستورنامه راجع به استیناف، تدوین قانون هیئت منصفه برای مطبوعات و نیز تنظیم بودجه عدلیه و... نقش مؤثر داشته‌است (آل داوود، ۱۳۹۸: ۵۶۷ - ۵۵۲). جایگاه و اختیارات موسیو پرنی در ساختار قضای ایران بسیار بیشتر و مؤثرتر از یک مستشار بود و گاهی دامنه اختیارات و عملکرد وی هم‌رده وزیر عدلیه بود.

نکته مهم و قابل‌ذکری که باید به آن اشاره کرد این بود که مشیرالدوله ترجیح می‌داد تا نام یک اروپایی ذیل قوانینی که من بعد تهیه می‌شود ذکر شود و حتی نوشته شود که این قوانین پیشنهاد موسیو پرنی بوده‌است (کسروی، ۱۳۹۹: ۱۱). حتی قوانینی که پرنی در تهیه آن نقش نداشت با امضا و تأیید وی به مجلس فرستاده می‌شد. به گفته کسروی، دولت درصد بود تا از این طریق اعتبار قوانین یا مصوبه‌ها را ارتقا دهد (کسروی، ۱۳۹۹: ۱۲).

ب. ضرورت آموزش علم قضاوت

علاوه بر ضرورت تهیه قوانین، عدلیه نیاز به تربیت و یا آموزش نیروهای جدید داشت. نیروهایی که بتوانند امر خطیر قضاوت را بر مبنای قوانین جدید پیش ببرند. بنابراین طی قراردادی که در اوت ۱۹۱۴م. بین وثوق‌الدوله، وزیر امور خارجه، به نام دولت علیه ایران از یک طرف و موسیو پرنی مدعی‌العموم جمهوری فرانسه از سوی دیگر منعقد شد، وی همچنین موظف به تربیت مستخدمین برای دیوان و محاکم قضایی از طریق تأسیس مدرسه حقوق گردید (مامشا، ۲۰۹۵۲: سند ۱). در واقع یکی از معضلات بزرگی که دستگاه قضایی از آن رنج می‌برد، فقدان افرادی بود که توانایی قضاوت داشته باشند. لذا هیئت وزرا درصد بودند این مشکل را از طریق استخدام مستشار برای عدلیه برطرف سازند. بنابراین مشیرالدوله، وزیر عدلیه، طی نطقی در مجلس دوم شورای ملی، یکی از ضرورت‌های استخدام مستشار برای عدلیه را فراهم شدن امکان برای آموزش علم قضاوت می‌داند (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، پنجم رمضان ۱۳۲۸: ۴۳۷). برای این منظور در سال

۱۳۳۲ق. به دنبال مدتی تلاش در زمینه تنظیم و ترتیب تشکیلات و نیز تهیه و تنظیم قوانین موردنیاز برای عدلیه، موسیو پرنی موفق به جلب نظر زعمای فرهنگی کشور جهت تأسیس یک مدرسه حقوق شد.

پیش از این در سال ۱۳۲۹ق. مشیرالدوله هم‌زمان با تهیه لایحه مهم قانون تشکیلات و نیز اصول محاکمات طرحی نیز برای تأسیس مدرسه حقوق فراهم کرده بود اما در آن تاریخ این طرح به جایی نرسید (عاقلی، ۱۳۷۷: ۳۵۴). در سال ۱۳۳۲ق. کمیسیونی برای این کار با حضور مشیرالدوله، ارفع‌الدوله (وزیر عدلیه)، موسیو پرنی، محمدعلی فروغی، حکیم‌الملک (وزیر علوم)، حسین علاء (معین‌الوزاره، رئیس اداره کابینه وزارت امور خارجه)، علی‌خان و خان ملک سامانی تشکیل شد (تفرشی، ۱۳۷۰: ۵۵). این کمیسیون که در ۲۰ ربیع‌الاول سال ۱۳۳۲ به هنگام صدارت محمدعلی خان علاء‌السلطنه تشکیل شد، طرح موسیو پرنی را که تأسیس مدرسه عالی حقوق نام داشت موردبررسی قرار داد. در مقدمه طرح پرنی ذکر شده بود که: «تهیه اشخاص به جهت مشاغل دقیق قضات که به آن‌ها تعلیم قضاوت و کارهای حقوقی بشود از عهده مدارس ابتدایی حالیه خارج است، بلکه تحصیل حقوق بایستی در یک مدرسه مخصوص به تعلیمات عالیه حقوق صورت گیرد که در حال حاضر، مدرسه مزبور وجود ندارد و حال آنکه تأسیس آن اولین وظیفه مهم دولت است» (تفرشی، ۱۳۷۰: ۵۶). بنا به دیدگاه امیل لوسوئر در کتاب *نقود انگلیسی‌ها* نیز، هدف پرنی این بود که قانونی برای پرورش و آماده‌سازی قضات آینده ایران فراهم کند؛ قضاتی که وظیفه اجرای قوانین را در دادگاه‌های ایران به عهده داشته باشند (لوسوئر، ۱۳۶۸: ۸۹). در این طرح، اضافه شده بود که موسیو پرنی خود مدیریت مدرسه را بر عهده دارد و مدرسه به یک شعبه حقوق محض، یک شعبه حقوق ملی، اداری و ثروت تقسیم می‌شد و بودجه پیشنهادی مدرسه نیز کلاً ۱۵,۵۲۴ تومان در ماه پیش‌بینی شده بود (عامری، ۱۳۹۰: ۱۹).

طرح تأسیس مدرسه عالی حقوق به دلیل شروع جنگ جهانی و سپس مشکلات ناشی از آن به تعویق افتاد. در اواسط جنگ جهانی اول نیز مجدداً طرح تأسیس مدرسه حقوق مطرح شد. در این پیشنهاد نیز به‌مانند سابق هدف از تشکیل این مدرسه را نیاز محاکم عدلیه به برخورداری از قضات عالیم و آگاه دانسته‌اند و صراحتاً درخواست شده که تمام

مقدمات و نظارت بر تحصیلات در این مدرسه به عهده موسیو پرنی باشد (پهلوان، ۱۳۸۳: ۳۹۱). با این حال مشکلات ناشی از جنگ مجدداً مانع پیشرفت این پیشنهاد در این مقطع تاریخی شد. تا اینکه در ابتدای سال ۱۳۳۷ ق (۱۲۹۸ ش)، زمانی که نصرت‌الدوله فیروز در کابینه وثوق‌الدوله وزارت عدلیه را به عهده داشت، مجدداً بحث تأسیس مدرسه به کمک پرنی پیگیری شد. با تلاش‌هایی که از سوی پرنی صورت گرفت، این مدرسه در نهایت در مهرماه ۱۲۹۸ موجودیت خود را اعلام کرد. البته پرنی پیش از این، مطابق با وظایف خود، قوانین لازم را جهت پرورش و آماده‌سازی قضات تهیه و به‌مرور به تصویب رسانده بود. در جلسه هیئت‌وزیران مورخ ۲۶ محرم ۱۳۳۷، با پیشنهاد نصرت‌الدوله موافقت شد که پروگرام مدرسه حقوق را وزارت عدلیه با موافقت نظر موسیو پرنی که ریاست مدرسه را نیز بر عهده داشت، تهیه و تنظیم نماید (عاقلی، ۱۳۷۳: ۶۲). با تأسیس این مدرسه، شرایط برای اجرای قوانین لازم جهت تأمین کادر قضایی فراهم شد.

وزارت عدلیه برای استخدام اساتید متخصص نیز به موسیو پرنی نیازمند شد. برای این منظور نصرت‌الدوله فیروز، وزیر عدلیه، موسیو پرنی را به عضویت هیئتی درآورد که در سال ۱۲۹۸ ش، یعنی در پایان جنگ جهانی اول، برای شرکت در کنفرانس صلح پاریس عازم اروپا شد. انتخاب پرنی برای حضور در این هیئت دو دلیل عمده داشت. از یک سو دستگاه وزارت خارجه ایران درصدد بود از دانش حقوقی وی برای هدایت هیئت اعزامی استفاده کند و مانع انحراف اعضا در جریان مذاکرات شود (باست، ۱۳۸۰: ۴۵۷). علاوه بر آن، وی وظیفه داشت تا پنج استاد فرانسوی برای تدریس مواد مختلف حقوق و اقتصاد برای مدرسه نوبنیاد حقوق استخدام کند (عامری، ۱۳۹۰: ۱۹). موسیو پرنی نظر موافق نصرت‌الدوله را برای استخدام چهار استاد فرانسوی برای تدریس در تهران جلب کرد. این استادان متخصص در حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق تطبیقی، حقوق جزا و اقتصاد بودند.

علاوه بر انتخاب اساتید فرانسوی برای مدرسه عالی حقوق، موسیو پرنی زمینه‌ساز ورود حقوقدان‌های برجسته ایرانی به دستگاه عدلیه و نیز مدرسه حقوق شد. از جمله آن‌ها، یکی منصورالسلطنه عدل و دیگری میرزا جواد خان عامری بودند که هر دو فارغ‌التحصیل دانشکده حقوق دانشگاه پاریس بودند. میرزا جواد خان عامری، محصل در دانشکده حقوق

دانشگاه سوربن فرانسه، با آغاز جنگ جهانی اول ناگزیر به بازگشت ایران شد (۱۹۱۵م). هنوز چندی از اقامت او نگذشته بود که موسیو پرنی به‌دنبال او فرستاد تا با قبول معاونت مستشاری عدلیه، پرنی را در انجام وظایفش یاری دهد (عامری، ۱۳۹۰: ۱۸).

مدرسه عالی حقوق که یکی از ادارات مستقل وزارت عدلیه به شمار می‌رفت و مخارج آن نیز از بودجه این وزارتخانه تأمین می‌شد، شرایط را برای آشنایی جوانان مستعد ایرانی با تعلیم و تدریس علوم قضایی به سبک دانشکده‌های اروپایی فراهم کرد. علاوه بر تربیت یک کادر قضایی لایق و درخور وظایف خطیر قضاوت، این مدرسه طبقه متوسط و روشنفکر آزاده‌ای تربیت کرد که در آینده کشور نقش مهمی را در رهبری و اداره دولت ایفا کردند (لوسوتر، ۱۳۶۸: ۶۷).

در فروردین سال ۱۳۰۲ مجلس شورای ملی برای آخرین بار قرارداد همکاری با موسیو پرنی را تا مردادماه سال ۱۳۰۵ برابر با ۱۲ اوت ۱۹۲۶ تمدید کرد. تا این تاریخ پرنی ریاست مدرسه عالی حقوق را به عهده داشت (مامشا: ۱۳۳۵۹/۱۹۷۹، سند ۶). پس از خاتمه قرارداد وی با دولت و ترک ایران، ذکاءالملک فروغی ریاست این مدرسه را به عهده گرفت.

ج. خدمات دیگر آدولف پرنی

علاوه بر کمک جهت تهیه و تدوین قوانین قضایی و نیز تشکیل مدرسه عالی حقوق جهت تأمین کادر قضایی، موسیو پرنی در زمینه‌های دیگری، عدلیه و دولت را یاری داده‌است. برای نمونه پرنی نقش پررنگی نیز در انتخاب مناسب اشخاص جهت مشاغل قضایی داشت. سید محمد فاطمی، رئیس محکمه حقوقی عدلیه که خود در دهم شوال سال ۱۳۲۹ق. با رأی پرنی، به سمت مشاور محکمه استیناف تهران انتخاب شده بود (فاطمی قمی، ۱۳۹۴: ۶۳) در خاطرات خود می‌نویسد: «مشاورالممالک با وجود اینکه در جایگاه معاونت عدلیه قرار داشت، دخالت چندانی در این امر نداشت و پرنی عمدتاً خود متصدی این انتخاب‌ها بود» (فاطمی قمی، ۱۳۹۴: ۹). پرنی برای انجام اصولی این وظیفه، در سال ۱۳۳۰ نظام‌نامه پرسنل عدلیه را تنظیم و به تصویب کمیسیون عدلیه رساند و از آن پس در استخدام افراد به‌خصوص قضات جهت امر قضا، نقش تأییدکننده‌ای ایفا کرد. او برای این منظور، عضو کمیسیون امتحان قضات شد و به‌خصوص در انتصاب و نیز ترفیع قضات، دقت

نظر و وسواس زیادی به کار برد. برای مثال در قضیه انتصاب شیخ علی بابا در جایگاه قاضی، در رابطه با میزان تخصص و تسلط وی بر فقه و قانون مدنی و اصول محاکمات و نیز اخلاق و درستی و پاک‌دامنی وی و یا امکان پذیرش رشوه یا نپذیرفتن آن، شهرت در صحت قول و اینکه چه مقامی برای وی مناسب است، از صدرا لاشراف و فروغی و تقوی پرس‌وجو کرده، و سپس وی را به‌عنوان قاضی در عدلیه تأیید کرده‌است (آل داوود، ۱۳۹۸: ۲۲۲). در دهم صفر سال ۱۳۳۰ ق. به پاس خدمات علمی و قضایی موسیو پرنی و نیز برای تجلیل و تقدیر از اقداماتش، نشان عالی علمی کشور به وی اعطا شده‌است (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۷۹) و در آخر اینکه دولت و مجلس برحسب نیاز درصدد بودند تا از تجربه پرنی برای شور و مشورت در وزارت فواید عامه و نیز دیگر وزارتخانه‌ها بهره‌مند شوند (مامشا، ۱۳۳۵۹/۱۹۷۹، سند ۲). نمونه آن استفاده از دانش حقوقی موسیو پرنی برای مشاوره در زمینه اعطای امتیاز نفت شمال به کمپانی نفت سینکلر بود. وزارت نفت در این رابطه، صورت قرارداد خود با این کمپانی را به زبان فرانسه ترجمه کرد و در اختیار پرنی قرار داد (مامشا، ۵۹۴۰، سند ۲).

نقدها و چالش‌ها

اهمیت و کارایی حضور پرنی در ساختار قضایی ایران قابل‌انکار نیست. در طول ۱۵ سال حضور وی در ایران تحولات گسترده و ماندگاری به‌خصوص در بخش تشکیلاتی و اداری عدلیه صورت گرفت، اما جایگاه و نقش وی نباید موجب نادیده گرفتن یا تضعیف نقش حقوقدانان و نیز روشنفکران ایرانی در این زمینه گردد، به‌خصوص اینکه سازوکار تهیه قوانین حتی پس از حضور وی صرفاً بر مبنا و اساس ترجمه بوده‌است؛ امری که پیش از حضور وی به‌توسط خود ایرانیان از جمله میرزا حسن خان مشیرالدوله، محمدعلی فروغی و... نیز صورت گرفته‌است. بررسی سازوکار تهیه و تدوین اصول محاکمات جزایی و نیز قانون جزای عرفی این ادعا را به‌خوبی اثبات می‌کند. هر دو این مجموعه قوانین به‌توسط حقوقدانان ایرانی تهیه و تنظیم شده اما جهت پذیرش عمومی و نیز جلب اعتبار و یا اعتماد ممالک دیگر نسبت به قوانین و تشکیلات قضایی ایران با امید لغو امتیاز کاپیتولاسیون نام و نقش پرنی پررنگ‌تر از آنچه بود مطرح شده‌است. درواقع پرنی عمدتاً نقش مشاور اجرایی در

پیاپیاده‌سازی اصول محاکمات و یا قوانین تشکیلاتی و اداری عدلیه را داشته‌است و در رابطه با قوانین ماهوی نیز عمدتاً امضا و ذکر نام وی جنبه اعتباربخشی داشته‌است. بنابراین همیشه انتقاداتی نسبت به میزان اهمیت حضور وی در عدلیه مطرح بوده‌است، از جمله آیت‌الله مدرس که مخالف کارایی و کارآمدی پرنی در دستگاه قضایی ایران بود در همین رابطه می‌گوید: «زمانی که پرنی وارد ایران شد مرحله قانون‌نویسی و قانون‌گذاری تمام شده بود. ایشان فقط این قوانین را امضا کردند. غیر از این کار دیگری انجام نداد» (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، ۲۱ صفر ۱۳۴۱: ۳).

البته حضور موسیو پرنی در ساختار قضایی ایران با هر سطح یا جایگاهی، فاقد چالش یا مانع نبوده‌است. به‌طور قطع مهم‌ترین چالشی که موسیو پرنی در نظام قضایی ایران با آن مواجه بود، ساخت سنتی این نظام بود که عموماً مبتنی بود بر دوگانگی عرف و شرع. این در حالی بود که در فرانسه صلاحیت کلیسا در نظام قضایی محدود بوده و مباحثی چون دوگانگی عرف و شرع مطرح نبود. در ایران اما چالش عرف و شرع در اکثر مواقع به‌عنوان یک مشکل لاینحل و نیز منبع مرافعه بین علما و وابستگان به شرع از یک سو و مشروطه‌خواهان لیبرال و سکولار در سوی دیگر، مطرح بود، چراکه اساساً ورود اصطلاحات جدید و مفاهیم سیاسی مدرن از قبیل قانون، عدالت، تحدید قدرت، تفکیک قوا و... چالشی نو برای جامعه آن روز ایران و به‌ویژه آراء و عقاید فقه شیعه بود (ظهیری، هوشیار و نصیری جام، ۱۴۰۱: ۹۳).

موسیو پرنی تقریباً برای انجام اکثر اقداماتش با چنین چالشی مواجه بود، حتی پیش از ورود به تشکیلات قضایی ایران، جایی که عده‌ای از وکلای مجلس با انتخاب و حضور وی مخالف بوده و تمایل داشتند تا مستشاری مسلمان از کشور مصر انتخاب شود چراکه دستگاه قضایی ایران نیازمند مستشاری است که با قوانین شرعی آشنا باشد (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، غره رمضان ۱۳۲۸: ۸). در زمینه مشاوره و پیاده‌سازی قوانین نیز این چالش‌گیران‌گیر پرنی بود. آیت‌الله مدرس عقیده داشت که مشیرالدوله و پرنی درصدد تحمیل اصول و قوانین حقوقی و جزایی فرانسه در تشکیلات قضایی ایران هستند، بنابراین با اکثر این قوانین مخالفت می‌کرد.

علاوه بر موارد ذکر شده موسیو پرنی در رابطه با تأسیس مدرسه عالی حقوق و نیز آموزش علم حقوق نیز با مخالفت و مقاومت علما و فقیهان مواجه بود، چراکه از یک سو معتقد بودند که پرنی با تأسیس مدرسه عالی حقوق، در صدد است شغل خطیر قضاوت را از انحصار علما و فقیهان بیرون بیاورد و از سوی دیگر با آموزش علم حقوق به دنبال تضعیف و به حاشیه راندن دانش فقه و در نتیجه قضاوت شرعی است.

نتیجه

تا پیش از پیروزی انقلاب مشروطه، تلاش‌ها برای تغییر و تحول در عدلیه بی‌نتیجه باقی ماند و هیچ‌یک از این کوشش‌ها به ثمر ننشست. این تلاش‌ها به‌خصوص معطوف به تشکیل عدلیه‌ای عرفی تحت نظارت و تسلط دولت بود. مهم‌ترین ضرورت برای دستیابی به چنین عدلیه‌ای، تهیه و تدوین قوانین قضایی اعم از شکلی و ماهوی بود. دسترسی به چنین قوانینی نه تنها موجب تحدید استبداد حاکمیت و نیز ظلم و فساد بود، بلکه ضرورت اساسی برای لغو رژیم سیاسی و قضایی کاپیتولاسیون محسوب می‌شد. علی‌رغم چنین ضرورتی تا سال‌های نخست پس از پیروزی مشروطه، همچنان قوانین شرعی مبنای قضاوت در عدلیه محسوب می‌شد.

میرزا حسن خان مشیرالدوله در سال ۱۳۲۸ ق. در جایگاه وزیر عدلیه، برای حل چنین چالشی، تصمیم به تهیه مجموعه قوانینی تحت عنوان «قانون تشکیلات و اصول محاکمات عدلیه» گرفت. چون تلاش ایرانیان پیش و پس از مشروطه در زمینه قانون‌نویسی نتایج موافقی به دنبال نداشت، دولت و نیز شخص مشیرالدوله به‌درستی ضرورت استخدام یک مستشار حقوقی باتجربه از فرانسه را تشخیص دادند. دکتر فرانسیس آدولف پرنی، به‌عنوان مستشار حقوقی عدلیه، از یک سو نقش مؤثری در اجرای قانون تشکیلات و اصول محاکمات عدلیه داشت. از سوی دیگر، وی به‌عنوان عضو کمیسیون یا شورای قضایی نقش برجسته‌ای در مشاوره جهت تهیه و تدوین دیگر قوانین قضایی به‌خصوص قانون به‌عهد گرفت. وی در انتخاب و نیز تربیت و آموزش کادر قضایی به‌خصوص قضات عدلیه نیز نقش مؤثری ایفا کرد. در این مورد، وی با پیشنهاد تأسیس مدرسه حقوق نقشی برجسته داشت.

علاوه بر این، موسیو پرنی برای دستگاه قضایی ایران به‌نوعی مؤید اعتبار قوانین و محاکم قضایی جهت اعتماد ممالک خارجی به نظام قضایی ایران با هدف لغو کاپیتولاسیون بود. تا پیش از این تلاش‌هایی که از سوی خود ایرانیان جهت لغو کاپیتولاسیون صورت گرفته بود، نتیجهٔ موفقی دربر نداشت و حکومت ایران جهت جلب اعتماد بین‌المللی، دست به اصلاح و بازسازی تشکیلات قضایی خود زد و در این مسیر فرانسه را سرمشق خود قرار داد. در همین رابطه، جلب نظر و دیدگاه موسیو پرنی یا به‌نوعی تأییدیه و امضای وی برای دولت، جهت تضمین و اجرای قوانین تهیه و تدوین‌شده، ضرورت داشت.

با درخواست رسمی دولت ایران موسیو پرنی به مدت ۱۵ سال، از سال ۱۲۹۱ تا ۱۹۲۶م، بنا به ضرورت‌های مطرح‌شده در دستگاه قضایی ایران، انجام‌وظیفه کرد و علی‌رغم نقدها و چالش‌های موجود، به گواهی اکثر محققان، در بازسازی تشکیلات و نیز انجام مشاوره جهت تهیه و تدوین قوانین قضایی و تربیت قضات، نقش برجسته و مؤثری ایفا کرد. با این حال اگرچه پرنی تا حدود زیادی ضرورت‌های مطالبه‌شده در دستگاه قضایی را جهت لغو امتیاز کاپیتولاسیون فراهم کرد اما به قول علی‌اکبر داور، برای دست یافتن به عدلیه‌ای دنیاپسند هنوز فاصله زیادی باقی مانده بود و علاوه بر بازسازی‌های قضایی، این امر نیازمند تحولات سیاسی نیز بود.

منابع

الف) منابع فارسی

کتاب‌ها

- آدمیت، فریدون (۱۹۸۵)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، جلد اول، سوئد: کانون کتاب ایران.
- آدمیت، فریدون (بی‌تا)، *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*، مجلس اول و بحران آزادی، جلد دوم، تهران: روشنگران.
- آدمیت، فریدون (۱۳۹۲)، *اندیشه ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار*، تهران: خوارزمی.
- آدمیت، فریدون (۱۳۶۲)، *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی.
- آشوری، محمد (۱۳۸۰)، *آیین دادرسی کیفری*، جلد ۱، تهران: سمت.
- آل داوود، سید علی (۱۳۹۸)، *نخستین کوشش‌های قانون‌گذاری در ایران*، جلد دوم، تهران: بنیاد موقوفات افشار با همکاری انتشارات سخن.
- امین، سید حسن (۱۳۸۶)، *تاریخ حقوق ایران*، تهران: دایرةالمعارف ایران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۹)، *تلاش آزادی*، تهران: خرم.
- پهلوان، چنگیز (۱۳۸۳)، *ریشه‌های تجدد*، تهران: قطره.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۳)، *ترمیم‌ولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
- چلونگر، محمدعلی (۱۳۸۲)، *کاپیتولاسیون در تاریخ ایران*، تهران: مرکز.
- صدر (صدرالاشراف)، محسن (۱۳۶۴)، *خاطرات صدرالاشراف*، تهران: وحید.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۲)، *رهبران مشروطه*، تهران: جاویدان.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۳)، *نصرت‌الدوله فیروز*، تهران: نامک.
- عامری، هوشنگ (۱۳۹۰)، *از رضاشاه تا محمدرضا پهلوی، مشاهدات و خاطرات میرزا جواد خان عامری معین‌الممالک*، تهران: کتاب پارس.

- فاطمی قمی، سید محمد (۱۳۹۴)، *خاطرات سید محمد فاطمی*، به کوشش احمدرضا نائینی و حسن زندیه، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- فلور، ویلم (۱۳۶۶)، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، مترجم: ابوالقاسم سری، جلد اول، تهران: توس.
- کسروی، احمد (۱۳۹۰)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران: نگاه.
- کسروی، احمد (۱۳۹۹)، *قانون‌دادگری*، تهران: نگاه معاصر.
- کسروی، احمد (۱۳۲۳)، *ده سال در عدلیه*، تهران: بی‌جا.
- مبارکیان، عباس (۱۳۷۷)، *چهره‌ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین*، تهران: پیدایش.
- محیط طباطبایی، محمد (۱۳۲۷)، *مجموعه آثار میرزا ملکم خان*، تهران: انتشارات علمی.
- مستشارالدوله تبریزی، میرزا یوسف (۱۳۸۲)، *رساله یک کلمه*، به کوشش سید محمد فیض، تهران: صباح.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۳)، *شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار*، جلد ۲، تهران: زوآر.
- مشیرالدوله، حسن؛ مدرس، حسن و خوبی، امام‌جمعه (۱۳۶۵)، *اصول تشکیلات عدلیه*، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مرادخانی، فردین (۱۴۰۲)، *پیامدهای مشروطیت، تکوین حقوق مدرن در ایران*، تهران: طرح نو.
- نیری، حمید (۱۳۶۹)، *زندگی‌نامه مستوفی‌الممالک*، تهران: وحید.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی خان. (۱۳۴۴)، *خاطرات و خطرات*، تهران: زوار.

مقالات

- افشار یزدی، محمود (۱۳۰۶)، انتقادات سیاسی: مسئله کاپیتولاسیون، *آینده*، ۳(۳)، ۲۱۸-۲۰۱.

- باست، اولیور (۱۳۸۰)، ایران و کنفرانس صلح، امیدهای بربادرفته و سرمشق چینی، مجموعه مقالات سمینار ایران و جنگ جهانی اول، به کوشش صفا اخوان، تهران مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی، ۴۴۳-۴۵۸.
 - تفرشی، مجید (۱۳۷۰)، مدارس عالی حقوق و علوم سیاسی در ایران از ابتدا تا تأسیس دانشگاه تهران، گنجینه اسناد، ۱ (۱)، ۸۱-۵۳.
 - صدر (صدراالشراف). محسن (بی‌تا)، تشکیلات عدلیه قدیم و جدید و خاطراتی از آن، وحید، ۱۸ (۲۳۷)، ۳-۱۵.
 - ظهیری، صمد، هوشیار، ابراهیم و نصیری جام، رضا (۱۴۰۱)، تحلیل نسبت شریعت و قانون در دیدگاه فقه الاسلام تبریزی، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، ۱۳ (۳۰)، ۹۲-۱۱۴.
- Doi:10.2234/JIIPH.2022.47290.2231

روزنامه‌ها

- روزنامه مجلس (۱۳۲۴)، شماره ۲۳، ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۲۴ق: ۲
- روزنامه مجلس (۱۳۲۴)، شماره ۵۲، ۲۲ محرم ۱۳۲۵ق: ۳
- روزنامه مجلس (۱۳۲۹)، شماره ۱۰۷، ۲۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵ق: ۲
- روزنامه مجلس (۱۳۲۸)، شماره ۳۹، ۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۸ ق: ۳
- روزنامه محاکمات (۱۳۲۵)، شماره ۲، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق: ۳
- روزنامه محاکمات (۱۳۲۵)، شماره ۳، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ق: ۲
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۵)، شماره: ۳۱، ۱۰ صفر ۱۳۲۵ق: ۳
- روزنامه حبل‌المتین (۱۳۲۹)، شماره ۱۳، ۱۷ رمضان ۱۳۲۹ق: ۴
- روزنامه صبح صادق (۱۳۲۵)، شماره ۲۲، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق: ۲

اسناد

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (مامشا)، سند شماره: ۷۵۹/۲۴۷، محل در آرشیو ک ۱۶، ۳۱.

- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (مامشا)، سند شماره: ۱۹۷۹/۱۳۳۵۹، محل در آرشیو ک ۹۰ د ۱۶.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (مامشا)، سند شماره: ۱۸۷۱۹، محل در آرشیو ک ۳۶ د ۲۱۴.
- مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (مامشا)، سند شماره: ۲۰۹۵۲، محل در آرشیو ک ۶ د ۴۹.
- سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)، سند شماره: ۴۴۸۶ - ۲۹۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۲۴، جلسه ۳۶: ۱۶.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، جلسه ۱۳۴: ۱۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۸ محرم ۱۳۲۵، جلسه ۱۳: ۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره اول، ۸ محرم ۱۳۲۵، جلسه ۲۱: ۸۹.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، غره رمضان ۱۳۲۸، جلسه ۱۴: ۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۲۹ محرم ۱۳۲۸، جلسه ۵۰: ۴۲.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۷ محرم ۱۳۲۸، جلسه ۴۵: ۶۸.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۵ رمضان ۱۳۲۸، جلسه ۱۴۰: ۴۳۴ و ۲۳۷.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره دوم، ۱۷ محرم ۱۳۲۸، جلسه ۶۸: ۴.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۲۶ صفر ۱۳۴۱، جلسه ۱۵۵: ۹۳.
- مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره چهارم، ۲۱ صفر ۱۳۴۱، جلسه ۳۱: ۳.

(ب) منابع انگلیسی

- A. Amir, Soleymani, (1936), *Etude comparative sur la formation et les effets des contrats entre le droit iranien*, le doctorat, Librairie Arthur Rousseau: Paris, 30-58.
- Marin, suodabeh, (2004), La réception mitigée descodifications napoléoniennes en Iran (1911-1935), open edition *journals droit et cultures*, 48, 107-137 doi.org/ 10.4000.